

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

اسماعیل هوشیار

۰۴ دسمبر ۲۰۱۱

فاز نهائی بحران سازی !

حکومت اسلامی ایران از بدو آوارشدنش بر سر مردم ایران ، بر ۲ پایه اصلی حرکت کرده است این را تجربه ۳۲ سال گذشته اش می گوید. سرکوب در داخل به دلیل عجز ماهوی در پاسخگویی نیازهای جامعه ، و صدور بحران به خارج برای پوشاندن ضعفها و توجیه سرکوبهای داخل !

اولین حرکت به سال ۱۳۵۸ برمی گردد زمانی که به قول خمینی اشغال سفارت امریکا انقلابی بزرگتر از انقلاب اول معرفی شد. یعنی زمانی کوتاه پس از سوار شدن و این که برای خودشان مشخص شد جامعه آن هلوئی نیست که به راحتی بلعیده شود باید توان حل تضاد داشته باشند، که طبعا نداشتند . همزمان با شروع سرکوبهای داخل و نیروهای سیاسی ، این صدور بحران از شکلی سمبلیک جدید یافت و در ۱۳۵۹ جنگ احمقانه ۸ ساله را تحت عنوان صدور انقلاب اسلامی به عراق ، به مردم ایران و عراق تحمیل کردند . ۸ سال سرکوب وحشیانه داخلی در زیر سپر جنگ و میلیاردها دلار خسارت مادی و میلیونها نفر کشته و انبوهی دیگر.....

اما این داستان ادامه داشت. سرکشیدن جام زهر توسط شخص خمینی در پذیرش پایان جنگ، شکل جدیدی از صدور بحران را می طلبد. فتوای سمبلیک قتل سلمان رشدی و جراحی منتظری از رأس دستگاه حکومتی، شروع ترورهای خارج از کشور، و این داستانی ادامه دار است. اما شرایط امروز با ۳۳ سال پیش تفاوتی دارد که قیاس بسته شدن سفارت انگلیس را با سفارت امریکا در ۱۳۵۸ مع الفارق می کند. حکومت اسلامی در ۱۳۵۸ نه می دانست جنگ چیست و نه از دیپلماسی خبر داشت. حکومت اسلامی ۱۳۹۰ علاوه بر این که می داند جنگ یعنی چه از دیپلماسی هم می داند و از شرایط نوین منطقه ئی و جهانی هم به خوبی آگاه است. از نظرشم ضد انسانی نه از صدام کمتر هستند و نه از تمامی تجربیات دیگر غافلند. یادتان هست که صدام هم به مدت یک دهه و هنگامی که در شدیدترین تحریمها اسیر بود هر روز مانوری و عربده ای و شلیکی با سیگار برگ می کشید ، اما چند ماه قبل از شروع جنگ که بوی خطر را حس کرد انواع همکاریها با غرب را پیشه کرد تمام اسناد اتمی و بقیه ها را هدیه داد و الی آخر.....

حمله جنون گاوی عوامل ولایت فقیه به سفارت انگلیس و بسته شدن سفارت ، همچنان بر پایه صدور بحران سوار است اما خلاف بخشی از تحلیلگران، به نظر من بوی جنگ نمی دهد و حتی بوی تهدید و مقابله به مثل. حکومت اسلامی

درضعیف ترین نقطه عمر ۳۳ ساله اش در همه زمینه ها ایستاده است ولی قدرت تشخیص منافعش را هم از دست نداده است رژیم علاوه بر انبوهی بحران اجتماعی و اقتصادی و بین المللی ، باید بر اختلافات و باند بازیهای حکومتی هم به شکلی غلبه کند. رژیم ۲ انتخابات مهم (مثلا انتخابات) درپیش دارد که اولی زمینه ساز دومی یعنی انتصاب رئیس جمهور است. دومی می تواند سرفصل باشد. ما از آنچه بین غرب و رژیم درپشت پرده گذشته، اطلاع دقیقی نداریم اما از این عکس العمل حمله به سفارت می شود حدس زد که این صدور بحران در فاز نهائی شکلی مصنوعی به خود گرفته است. رژیم درهرحالتی به دنبال تضاد بیشتر با دنیای بیرون نیست. رژیم درهرلحظه ای که احساس خطر جدی کند حداقل مثل صدام راه مدارا پیش می گیرد. شرایط امروز دیگر امکان صدور بحران به صفت حل تضاد را برای ۳۳ سال دیگر به رژیم نمی دهد. هم رژیم و هم غرب خوب می دانند که اگر این بازی تحریمها از ابتداء جدی بود و فقط معادل ۱۰ درصد تحریم زمان صدام را به حکومت اسلامی ایران تحمیل می کردند رژیم دوام نمی آورد. در همین حرکت اخیر و فشار بیشتر تحریمهای غربی، هنوز اتحادیه اروپا از تحریم نفتی حکومت اسلامی دوری می کند. نزدیک به ۲۰ درصد از کل نفت خام ایران روانه بازارهای اتحادیه اروپا می شود !

حمله به سفارت انگلیس درتهران فقط ناشی از ترسی شفاف است ترسی که ناشی از وقوع جنگ نیست بلکه از نوع سیاستی است که غرب پیشه کرده است سیاست نمد مالی. غرب دربرخورد با چنین سوژه هائی ابزارهای متفاوتی دارد که جنگ یکی از این ابزارهاست. جنگ یکی از ساده ترین راهها و معمولا کم هزینه ترین هاست اما در رابطه با حکومت اسلامی و بافت پیچیده جامعه سیاسی ایران موضوع فرق می کند. غرب درجهت اصلاح درونی رژیم نسخه های متفاوتی پیچید و سالها وقت و انرژی گذاشت. اما این پدیده مشککش با داروی اصلاحات و سبزو اینا...حل نشد این پدیده نیاز جدی به چندین عمل جراحی سخت دارد که خود رژیم هم می داند یحتمل از زیر عمل سالم بیرون نیاید! با نزدیک شدن تعیین تکلیف اسد در سوریه، حکومت اسلامی درسیاست منطقه ئی تنها می شود. همزمان اختلافات داخلی و حکومتی بیشتر شده است. لولوی ساخت بمب اتمی کهنه شده و برای حکومت اسلامی کارائی گذشته را ندارد رژیم در اشتباه محاسبه خود و نادیده گرفتن شرایط جدید، از همان سیاست صدور بحران ۳۳ سال گذشته به شکلی تصنعی استفاده کرده است که در فاز نهائی عمرش این سیاست قطعا نتیجه معکوس می دهد. احساس خطر رژیم در این که بعد از اسد، نوبت خودش در شکلی جدید است.... ، واقعی است. منهای معادله غیرقابل پیش بینی عنصر اجتماعی، در سرفصل بعدی یعنی انتصاب رئیس جمهور اسلامی، اگر رژیم با عوض شدن رویه سیاسی غرب منقبضتر شود که از داخل خرد می شود و اگر یخش نوب شود علائم جدی اش را خواهیم دید . به نظر من رژیم اجبارا منقبض ترمی شود و این نمد مالی جدید غربی در فاز جدید ، منجر به مرگ داخلی حکومت اسلامی خواهد شد؛ یعنی این وقتی راههای ورود اکسیژن آرام آرام بسته بود پدیده بدون هیچ لگدی در درون خودش خفه می شود !

